طنز در آثار ادیب الممالک فراهانی

دکتر محمد شادروی منش
دانشگاه تربیت معلم

چکیده

میرزا محمد صادق ، معروف به ادیب الممالک فراهانی ، از نام دارترین شاعران عصر مشروطه است. این مقاله به بررسی چگونگی طنز و گونه های هم خانواده – هزل و هجو – و تحلیل محتوای آن ها در آثار شاعر پرداخته است. سیر تاریخی طنزهای ادیب ، در سه دورهٔ پیش از انقلاب مشروطه، دورهٔ بیداری و انقلاب، و دورهٔ سرخوردگی از انقلاب بررسی شده است. قالب ها و زبان طنز ادیب الممالک ، شیوه ها و شگردها ، تازگی ها ، آماج ها و آسیب شناسی طنزهای او از بخش های دیگر این مقاله است.

کلید واژه ها: ادیب الممالک فراهانی، محمد صادق؛ انقلاب مشروطه؛ تاریخ معاصر ایران؛ جامعه شناسی ادبیات؛ طنز؛ مشروطیت؛ هجو؛ هزل.

مرحلهٔ تاریخی جدیدی که در پهنهٔ ایران زمین آغاز شده بود، عرصهٔ تازه ای در ادبیات فارسی ایجاد کرد که تا آن روزگار بی سابقه بود. عصر بیداری و انقلاب مشروطه زمینهٔ رشد و گسترش ادبیات مردمی، انتقادی و انقلابی را

www.SID.ir

Archive of SID

فراهم آورد. در این میان ، طنز گسترده ترین جولان گاه را یافت و توانست نقش تاریخی مؤثری درحوادث روز بر عهده بگیرد . نویسندگان و شاعران بسیاری آگاهانه از توان چشم گیر طنز بهره بردند و اهداف اجتماعی خود را با آن پی گرفتند . از جملهٔ نام دارترین شاعرانی که پای به این عرصهٔ جدید نهاد ، میرزا محمد صادق ، ادیب الممالک فراهانی (۱۲۳۹ - ۱۲۹۵) است . او شاعری است کلاسیک با گرایش های انقلابی جدید، وهمچنان که شعر او به طور کلّی منسوب و متکّی به سنت های کلاسیک شعر فارسی است ، طنز ها و مطایبه هایش نیز از سرچشمهٔ مطایبات ، هجوها و طنز های کلاسیک مایه می گیرد و شباهت تمام با آن ها دارد. اما طنز ها و مطایبات او را چهار نوع اصلی می سازد که هر چند در آثار قدیم فارسی نظایری برای هر یک می توان یافت، ولی در شعر او برجستگی خاصی دارند :

۱. **قصاید انتقادی** : بخشی که از قضا در زمرهٔ بهترین آثار ادیب نیز می تواند به شمار رود ، انتقاد های او از طبقات و گروه های مختلف اجتماعی است . این دسته از اشعار او که بیشتر آن ها در قالب قصیده اند ، با بعضی قصاید انتقادی شاعرانی چون سنایی قابل مقایسه اند . شاعر در اینجا همهٔ گروه های اجتماعی مؤثّردر امور جامعه را مورد انتقاد قرار می دهد و هر یک از آنان را متناسب با موقعیّت اجتماعی شان و انتظاری که از ایشان می رود مؤاخذه می کند.

در این خطاب های نکوهش آمیز **علما** کسانی هستند که از پی حرص، شرع و سنن را آلت ستم خود کرده اند؛ **ادبا** با معانی بی اصل، همهٔ همّت خویش را به اموری چون ساختن مادّه تاریخ مصروف کرده اند؛ **عرفا** با حیله و ترفند و

www.SID.ir

Archive of SID

استفاده از نماد های دین ورزی ، مردم را به دام می کشند؛ و **خطبا ...، وزرا و وکلا** نیز ... .

نکتهٔ مهم در تجزیه و تحلیل طنز این است که بدانیم هر گونه انتقاد جدّی توان نهفته ای برای تبدیل شدن به طنز را دارد، از این رو در بسیاری از سروده های انتقادی ادیب که با بیانی جدّی آغاز شده اند ابیاتی می توان یافت که محتوایی طنز آمیز دارند. شگفت این که در این عصر در بعضی از مرثیه ها نیز گاه به ابیاتی برمی خوریم که با محتوایی طنزآلود و هجو گونه اند ؛ به ویژه در مرثیه هایی که دربارهٔ وطن پرستان یا مطرودان حکومت گفته شده اند، سیاق کلام به تدریج به بیان انتقادی و شکایت از روزگار و بی مهریش با آزادگان نزدیک می شود ، و این همان عنصری است که مرثیه را به سوی طنز سوق می دهد.

انتقاد های سیاسی ـ اجتماعی حلقهٔ رابط و حد فاصل میان این گونه مرثیه ها و هجویه های سیاسی اند. برای نمونه، مرثیه ای که ادیب پس از بمباران مجلس سروده است (*دیوان* ، ص ۱۸۲)، یا مرثیه ای که در مرگ علی خان امین الدوله ساخته و در آن ابیاتی از این دست دیده می شود (*دیوان* ، ص ۴۰۷):

زمانه ما را چون گاو بسته برگردون　　از این ره است که بنهاده یوغ برگردن
چو مرغ خانگی اندر قفای پیرزنان　　به بام و برزن تازیم بهر یک ارزن

۲ . هجویّه ها: بخش چشم گیری از دیوان ادیب هجویّه هایی است که به مناسبت های مختلف گفته شده است . بعضی از این هجویّه ها کاملاً شخصی است ، از آن گونه که در آثار سوزنی ، انوری ، کمال اسماعیل و دیگران، نمونه های اعلای آن را می توان دید.

www.SID.ir

Archive of SID

در اینجا ادیب هیچ وجه تمایزی با دیگر اقران خود در ادبیات پیش از مشروطه ندارد، جز آن که به نظر می رسد که گاهی وی هجویّه هایی برای اشخاص نامعین ساخته است تا شاید روزی دربارهٔ کسی آن را به کار ببرد(رک : *دیوان* ، ص ۱۲۷).

اما مهم تر از این هجویّه های شخصی، در شعر او بخش های قابل ملاحظه ای وجود دارد که او را به عنوان یکی از شاعران مشروطه ـ نه به لحاظ تاریخی ، بلکه به لحاظ محتوای اشعار ـ معرّفی می کند ، و آن هجویّه های سیاسی اوست. هر چند این گونه سروده ها او را در مرتبهٔ شاعری اجتماعی قرار می دهد، اما به لحاظ شیوهٔ نگرش، شعر او چیزی بیشتر از هجویّه های گذشتگان را ندارد. تفاوت عمده، تنها در این است که اینک دشمن او شاه یا مستبدان دیگر یا قدرتمندانی هستند که شاعر آن ها را خائن می شمارد و آرمانش نیز ـ دست کم در نظر خود او ـ آرمانی وطن خواهانه و انسانی است. نمونه های آن در دیوان ادیب کم نیست؛ از جمله اشعاری که در هجو محمدعلی شاه و بستگانش سروده است؛ مانند قصیده ای با این آغاز (*دیوان* ،ص ۸۶):

امروز که حق را پی مشروطه قیام است　　بر شاه محمدعلی از عدل پیام است
که ای شه به زمینت زند این توسن دولت　　کامروز به زیر تو روان گشته و رام است
این طبل زدن زیر گلیمت نکند سود　　چون طشت تو بشکسته و افتاده ز بام است

نمونه دیگر ، ترکیب بند هجو آمیز «حشرات الارض بهارستان» است (*دیوان*، ص ۵۱۶) که بی شک نمایندهٔ برجسته ای از هجویّه های سیاسی پس از انقلاب مشروطه به حساب می آید.

www.SID.ir

Archive of SID

۳. **ماده تاریخ های طنز آمیز:** اگر چه ادیب، خود از ادبا انتقاد می کند که « می بتراشند ابجد و کلمن را» ، اما بخش عمده ای از طنزها و هجویّه های او را همین ماده تاریخ ها می سازد و پیداست که ذات تکلف آمیز این نوع گفته ها آن ها را از هر گونه مایهٔ هنری خالی ساخته است ، و تنها بعضی از ظرافت های زبانی یا ارزش های تاریخی است که آن ها را قابل ذکر می کند؛ مانند ماده تاریخ عزل عین الدوله(۱۳۲۴ ه .ق، ص ۲۰۳):

ماست را کیسه کرد و کلک قضا بهر تاریخ گفت: «دوغی شد»

یا ماده تاریخ جلوس محمدعلی شاه (ص ۱۱۱)، یا اعدام شیخ فضل الله نوری (ص ۱۱۲) و... .

۴. **حکایت های کوتاه** : نوع دیگر از طنز های ادیب را باید آن هایی دانست که با صورت و قالب حکایت بیان شده اند. تعداد این حکایت ها محدود - کم تر از ده حکایت - و عناصر اصلی آن ها اغلب مربوط به ادوار گذشته است ، اما شاعر می کوشد که آن ها را با رنگی از زمانهٔ خود عرضه بدارد. مانند «حکایت بوالعنبس - در نکوهش خطیبان بی زبان آغاز مشروطیت» (صص ۲۴ - ۲۵)،یا «حکایت بز و روباه» (ص ۶۲۳)که اگر چه در آن چند اصطلاح جدید اداری مانند اداره، استخدام، دفتر، تفتیش و حقوق راه یافته است، اما به طور کلی صورتی کهن دارد، یا «داستان کفش ابوالقاسم طنبوری بغدادی» (ص ۵۹۷) و حکایت « سوزن و سنجاق» که از نوع «فابل» های آن روز است و از جمله حکایت هایی است که شاعر آن را به نتیجهٔ اخلاقی و اجتماعی مورد نظر خود - همچون همهٔ داستان های تعلیمی - هدایت می کند (ص ۴۱۸) :

یک سوزن و یک سنجاق بودند به سوزن دان مانند دو تن عیار افتاده به یک زندان

www.SID.ir

Archive of SID

این دو با یک دیگر دشمنی می ورزند و موجب نابودی یک دیگر می شوند وچون هر دو از کار می افتند ، کدبانو آن ها را به دور می اندازد . آن گاه ناله سر می دهند که :

بدبختی خود را من از چشم تو می دانم　　بدبختی خود را تو نیز از قبل من دان
هنگام هنر بودیم با خویش عـدو، اینک　　از بی هنری هستیم ضرب المثل رندان

اما بهترین حکایت ادیب - که مفهومی نمادین دارد- داستان معـروف «پیـر لبو فروش اوست (ص ۴۹۹)که اهـل ادب غالباً آن را خوانـده و شـنیده انـد و چنین آغاز می شود :

دیدم میان کوچه پیر لبو فروشی　　بار لبو نهاده روی درازگوشی[۱]

آنچه گفتیم، وجوه اصلی طنز های ادیب است؛ اما یک نوع اسـتثنایی نـیز در شعر او هست که البته چندان مورد توجه وی قـرار نگرفتـه اسـت ،و آن، نقیضـه است. مانند قطعه ای دو بیتی که در آن از رفتار چاپلوسانهٔ وزیران و اولیای امـور کشور در مقابل مستشاران خارجی (که در حقیقت خادم آنانند) انتقاد مـی کنـد (*دیوان*،ص ۵۰۳):

زمن ای صبا! نهانی تو به مستشار برگو　　« سحر آمـدم به کویت به شکار رفته بودی»
خبر از وزیر جُستم که نبود در رکـابت　　«تو که سگ نبرده بودی، به چه کار رفته بودی»[۲]

***

اگر بخواهیم برای طنز ها و مطایبه های ادیب، سیری تاریخی در نظر بگیریم، آن سیر دارای سه مرحلهٔ متمایز است :

۱. **پیش از انقلاب مشروطه:** دورهٔ آغاز شاعری ادیب که به عنوان شاعری درباری به اهل حکومت، مانند امیر نظام گرّوسی و صارم الدّوله - و حتی مظفرالدین مـیرزا، ولی عهد - وابسته است. مطایبـات او در ایـن دوره اغلـب از قبیـل هجـو هـای

www.SID.ir

Archive of SID

مطلوب چنان دستگاه هایی است ؛ مانند هجویّه ای که در قالب ترکیب بند به سفارش صارم الدوله در مذمت شیخی سروده است. این ترکیب بند ماهیتی مانند هجاهای سوزنی و یغمای جندقی زبانی هتاکانه دارد. بیت معروف این ترکیب چنین است :

کشتن سرو و لاله کار من است شاعرم من، هجا شعار من است [۳]

گونهٔ دیگری از مطایبات او در این دوره، نمونه ای از حکایت های هزلی یا شوخ طبعانهٔ قدماست؛ مانند قطعه مصرّعی با این آغاز (ص ۲۷۰) :

شب دوشین که تا قریب سحر بودمی خسته از سهاد و سهر ...

که این قطعه خود تلفیقی از ترجمهٔ دو قطعه معروف از شاعران عرب است[۴].

۲. دوره بیداری انقلاب : این دوره ، دورهٔ ملحق به پیروزی مشروطه طلبان و پایداری در برقراری مشروطه است ، و ادیب در آن به اشعار میهن پرستانه و قصاید وطنی و اغلب با صبغه ای دینی روی می آورد:

گر هوای سخن بُوَد به سرت از وطن بعد از این سخن گو باز
هوس عشق بازی ار داری با وطن هم قمار عشق بباز[۵]

مضامین طنز های او در این دوره عموماً بیان گر عشق به میهن، آزادی خواهی ، مبارزه با ستم و مظاهر آن است ، حتی هجویّه های او نیز عموماً ماهیتی سیاسی و اجتماعی دارند (ص ۳۰۰) :

اگر از جفای محمد علی شه برافتاد بنیاد و بنیان مجلس
شگفتی نباشد که در بوستان ها ز یک باد پژمرده صد شاخ نرگس
حمای سلاطین و شیپور شب را به هم برزند بوق تون تاب مفلس
وضوی مقدس به باد فنا شد ز تیزی که از ... در آید به فس فس

www.SID.ir

Archive of SID

محمد علی بوق و تیزاست ازیرا ز باد است ناطق، به گند است مونس
دلش پر ز نفخ امیر بهادر دمش گنده از بوی شیخ مد لس

۳. **دورهٔ سرخوردگی از انقلاب** : هم زمان با قدرت یافتن کسانی که ادیب آن ها را «مشروطه خواهان گزافی» می خواند (ص ۲۳)، انتقاد های او به حکومت و وزیران و وکیلان و دیگر ایادی حاکمیت آغاز می شود . از این نوع نقدها ترجیع بندی است با این بیت ترجیع (ص ۵۴۸) :

دیده در خون جگر زد غوطه باد لعنت به چنین مشروطه[۶]

انتقاد های او در این دوره غالباً به ارکان حکومت و اوضاع اجتماعی متوجه است و مفاهیم محوری آن ها از این نوع است:

۱. مشروطه موجب رنج برای خلق شده است.

۲. مشروطه باعث تهیدستی او و اقرانش شده است.

۳. وعده های مشروطه انجاز نشده است.

۴. تنها وزیران خائن از آن سود برده اند و....

و مضمون بسیاری از طنز های این دورهٔ ادیب این است که (ص ۴۷۸) :

از کردهٔ خود خوردند اندر ... خود غوطه یک سلسله ز استبداد، یک دسته ز مشروطه

در اینجاست که شاعر خشمگین در تأکید بر اوضاع ناپسند حاکم بر مشروطهٔ جدید، با بیانی تهکّم آمیز استبداد پیشین را می ستاید(ص ۳۰۹) :

دریغ آن ناصرالدین شاه و استبداد دورانش عزیز حضرت سلطان، امین بزم خاقانش
ز فراشان قرمز پوش و دژخیمان بد هیئت چماق شاطر و چوب قرقچی در بیابانش

در همین دوره است که او به عرصهٔ عدلیه وارد می شود و از نزدیک با مسائل آن آشنا می گردد و با دیدن مفاسدآن دستگاه به سخت ترین انتقادها از

www.SID.ir

Archive of SID

عدلیه ـ چه به زبان طنز و هجو ، چه به زبان جد ـ روی می آورد. اگر بخواهیم موضوعی را انتخاب کنیم که دارای بیش ترین بسامد در حوزهٔ طنز ها و انتقاد های این دوره از زندگی او باشد، آن انتقاد از عدلیه است . اگر چه در بعضی از این هجویه ها احساس می شود که ادیب به منافع خاص خود نیز بی توجه نیست، اما بسیاری از آن ها به خوبی از حد مصداقی فردی فراتررفته و جنبهٔ نوعی یافته است و از جملهٔ بهترین آثار ادیب نیز می تواند به شمار رود؛ از جمله شعری با این آغاز (ص ۱۴۳):

روزی ز جور خصم ستم گر، ظلامه ای — بردم به نزد قاضی صلحیهٔ بلد
دیدم سرای تیرهٔ تنگی به سان گور — تختی شکسته در بن آن هشته چون لحد
میزی پلید و صندلیی کهنه پای آن — بر صندلی نشسته سیاهی دراز قد ...

قالب ها و زبان طنز ادیب الممالک

قالب هایی که ادیب در طنز هایش برگزیده است همان است که بیشتر شاعران کلاسیک فارسی آن را مناسب تر یافته اند، و به ترتیب فراوانی عبارتند از: ۱. قصیده۲. قطعه۳. مثنوی ۴. رباعی ۵. ترجیع بند ۶. ترکیب بند ۷. مسمّط.

در این میان، سه قالب اخیرالذّکر، در شعر دورهٔ مشروطه مورد توجه خاص قرار گرفته اند و احتمالاً کار ادیب در این جا نوعی همگامی با ادبیات روز است.

زبان ادیب البته دارای وجوهی است که طنز او را از شاعران هم عصرش متمایز می کند. کوشش او در استخدام الفاظ فرنگی و ترکی و لغات عامیانه تمایل او را به تفنن و نوجویی[۷] نشان می دهد. از جملهٔ آن هاست این ابیات

www.SID.ir

Archive of SID

دربارهٔ یکی از سلطنه ها (ص ۴۵۵):

گرچه باشد کودن و گیج و زبان نافهم وگول — چار گفتار مرادف یـــاد دارد ز الـــسنه

از فرانسه «دُن موا» ، از لفظ تازی «اعطنـی» — ز انگلیسی « گیومی» ، از گفت ترکی «ورمنه»

با این همه، نوجویی او در طنز اغلـب از حـوزهٔ لغـات و ترکیـب هـای جدید فراتر نمی رود. به ویژه که در بیش تر موارد، این الفاظ تازه در بافت زبـان و بیانی کهنه قرار می گیرد، چنانکه خوانندهٔ امروزین بیش از هـر چـیز آن هـا را نوعی فکاهه می بیند. به این نمونه توجه کنید(*دیوان*، ص ۱۰):

خصم تـرور و دشمن دیمو کُراسی ایم — در گوشمـــان مخوانید این تّرهات را

در کام ما حدیث تروریست روز و شب — مـلح اُجاج ساخته عذبِ فـــرات را

الفاظ را بـه جای معانی ادا کنـــد — صد من دو غاز شد ثمن این مهملات را

یـــاللعـــجب جماعت دیموکَراسیان — ننهاده فرق مصـــدر و اسم و ادات را

وجه بیان و نوع تصاویر در طنزهـای ادیـب نـیز عموماً تصـاویری بـرگرفتـه از تحصیلات مدرسی و دینی است (صص ۴۵۶، ۲۸۷،۲):

دزدی و کـــلاشی انـــدر مذهبش — این یکی فرض است و آن یک نافله

***

بـــاد بروتت برفت یـــک سره ای شیخ! — ریش تو جاروب کرد دُردی دن را

همچو مضارع شدی که نصب و سکونش — منتظر یک نظر بُوَد لـم و لـن را

***

چه خنده ها که به طامات شیخ شهر زند — پیاله در کف رند شراب خوار امـروز

بنه مـــه رمضان را به پیش، کفش ادب — که شد طلایهٔ شوّال، آشکار امـــروز

فقیـه شهر که دی سنگ زد به ساغر مـا — ز پیر میکده می جست اعتذار امـروز

ثواب روزهٔ سی روزه را مصالحه کـرد — به یک پیاله می ناب خوشگوار امـروز

www.SID.ir

Archive of SID

اما این گونه وابستگی های ادیب به ادب گذشته، موجب شده است که زبان شعر او به طور کلی از ضعف های بیانی که در شتاب روزنامه نگاری های عصر در میان بسیاری از معاصران او به وفور دیده می شود، بر کنار بماند و حتی به قول خود او قافیهٔ دال و ذال و یای معروف و مجهول را نیز رعایت کند[۸].

نکتهٔ دیگری که در توانایی های زبانی طنز ادیب شایسته توجه است این است که پیوسته هماهنگی الفاظ طنز با موضوع یا آماج آن در حدی است که برای مخاطب جاذبه بیش تری فراهم می کند. برای مثال در هجو عین الدوله ـ صدراعظم استبداد ـ که در ابتدای کار میرآخور بوده است، می گوید(ص ۱۷۶) :

از آن زمان که بریدی تو پای بند و شکال　　شدی به کاخ ز اصطبل و خاطرت آسود
به غیر طالع ایرانیان که راحت خفت؟!　　به غیر چشم بصیرت کدام دیده غنود؟!

یا در هجو شخص نجاری چنین می گوید(ص سی و دو، بخش متفرقات نویاب):

از تیشهٔ هجو جان او بتراشم　　وز رندهٔ فحش جلد او بخراشم

از لحاظ میزان صراحت طنز ها ،ادیب هیچ چیز را پوشیده نمی گذارد و به ندرت از نماد استفاده می کند. گاهی نیز که از بیان تمثیلی بهره می جوید، همانند دیگر شاعران کلاسیک، نمادهای تمثیل خود را توضیح می دهد (ص ۱۱۴) :

مثل زنند خری را که زیر بار گران　　ز پا فتاد و از او خرخدای نا راضی است
حکایت من و دیوان داد و داد رئیس　　نظیر آن شد و ایزد میان ما قاضی است

شیوه ها و شگرد ها

شگرد های مطایبه ادیب در اکثر قریب به اتفاق طنز ها در محور افقی شعر و براساس همنشینی کلمات شکل می گیرد و با عناصری زبانی ؛ پدید

www.SID.ir

Archive of SID

می آید؛ نه بر مبنای تصویری کلی از مجموعه شعر یا محور عمودی. درتوضیح این نکته ،هر چند مقایسه طنز در شعر با طنز در نمایش یا نثر چندان دقیق نیست. خوب است که این گونه طنز ها را مقایسه کنیم با آنچه در ادبیات غرب «کمدی رفتار ها» (comedy of manners) یا« کمدی موقعیت» (comedy of situation) خوانده می شود. در آثار ادیب ، طنزهایی از قبیل «صلحیهٔ بلد» (صص۱۴۳ - ۱۴۵) و ترکیب بندی که در توصیف دیوان خانه در قالب خوابی که در آن دیوان هولناکی ظاهر می شوند (صص ۵۲۲ - ۵۲۴) اندک شمارند و اغلب طنزهای او فاقد این انسجام تصویری و محور عمودی اند.

عمده ترین شگرد هایی که ادیب به کار می گیرد از این قرار است:

۱. بازی های لفظی :

ای دوست ! بیا مسند اوقاف ببین بی داد و طمع ز قاف تا قاف ببین
این نایب صدر و فخرالاشرف ببین در قاف قضا دو تا دو سر قاف ببین

۲.جناس سازی و قلب واژگان[۹] و استفاده از واژه های جدید ، به ویژه واژهای فرنگی، در بافتی نامتجانس یا برای خلق جناس های تازه (صص ۶۲۵ - ۹۰):

بز بیچاره گفت : ای مسیو ! دوست را در بلا منه به گرو

***

دری بدیدم و لوحی بر آن به خط جلی نوشته بود که کابینهٔ وزیر این جاست
شنیده بودم از اهل لغت که «کابینه» به اصطلاح زبان فرنگ «بیت خلا» ست
دگر شنیده بدم من که مجلس شورا برای دیوان کابینه ای تمیز آراست

۳. استفاده از لغات، تعبیر ها و امثال عامیانه که در ادبیات رسمی، معمولاً خارج از هنجارهای جدی شعر تلقی می شده است (ص ۹۰):

هر آن که دمب خری را گرفت و گشت سوار فتاده از خر و در فکر جستن خر ماست

www.SID.ir

Archive of SID

۴. هنجار گریزی های صرفی و واژگانی و واژه سازی های غریب (صص ۲۱ - ۳۲۲) :

خری کو چرد کشت همسایگان را به خربنده گو جو برایش نخرّد

***

ای دریغا کـــــه گربة السلطان کرده قصد شکار موش الملک

۵. استفاده از واژه های حرام ، دشنام و تشبیه به حیوانات ، با توجه به ایـن کـه این کار ،خود کلام را از حالت طبیعی شعر جدی خارج می کند[۱۰] .

۶. اغراق و بزرگ نمایی (ص ۲۵۴) :

فرع بیش از اصل می بندد، رسوم افزون ز جمع مالیات سال آتی خواهد از هـذی السنه

رسم گیرد در دهات از کنگر و ریواس و قارچ باج خواهد در بلوک از یوشن و از در منه

۷. بیان تهکّمی (ص ۱۲۳) :

بیچاره آدمی که گـــــــــرفتار عقل شد خوش آن کسی که کره خر آمد الاغ رفت

۸. بی معنی سرایی و بدیهی گویی (ص ۶۱۵، هر چند که ادیب در ایـن شـگرد یک نمونه بیش تر ندارد، اما همین نمونه از بهترین طنزهای ادیب بـه شـمار مـی رود):

مـــــــا را چه که باغ لاله دارد ما را چه که خسته نـــــاله دارد....

ما را چه که گوش خر دراز است ما را چه که چشم گرگ باز است ...

تازگی ها

اظهار نظر درست در بارهٔ تازگی های سخن یک شاعر ، مستلزم داشـتن آمار دقیق از ترکیب ها، تصویر ها و شگردهای بیانی گویندگان پیشـین اسـت، و پژوهش های ما از چنین آماری خالی است. به ناچار، وقتی از تازگی هـا در طـنز ادیب سخن می گوییم، معنی آن در نظر ما این اسـت کـه مشـابه آن را در آثـار

www.SID.ir

Archive of SID

دیگر یا ندیده ایم، یا کم تر به کار رفته است، و یا این که اصل مطلب به کار رفته است، اما شیوهٔ بیان، شخصی و منحصر به شاعر است . بنا بر این باید بگوییم که اغلب تازگی های طنز او ناشی از مضمون یابی و چیرگی بر لغت و بازی های زبانی است . اما نمونه هایی نیز در آثار او وجود دارد که تازگی های مضمونی و ساختاری در آن دیده می شود. برای نمونه به بعضی از آن ها اشاره می کنیم :

قصیده ای که طرح آن به شکل گفتگویی است که میان ستارگان دربارهٔ زمین و آدمی در می گیرد و آن گاه ستارگان به بدگویی از جنس بشر می پردازند، و سرانجام به مقایسهٔ ایران و اروپا و برچیده شدن بساط ستارگان ختم می شود[۱۱] .

بعضی هجویّه ها که از زبان مهجوّ سروده است (ص ۳۶۶) :

معروف به بی دینی ولامذهبی ام — در علم کم از معلم مکتبی ام
با دین نبی جدال دارم شب و روز — هر چند به نام، شیخ عبدالنبی ام

قطعه ای فکاهی که شریطهٔ آن نوعاً تازه است (ص ۴۹۳):

... تا بود کار گرگ قصابی — تا نداند شتر نمد مالی
تا که دونان سفله بنشینند — در کمیسیون و مجلس عالی
تاکه ارباب حل و عقد روند — بهر همسایگان به دلالی
آسمانت منوّر از انجم — آستانت مزیّن از قالی

قصیده ای با قافیه ها و الفاظ ساختگی در نکوهش القاب بی معنی (ص ۳۲۳)[۱۲].

آماج ها

صرف نظر از هزل، فکاهی ،شوخی های محض یا هجویّه های کاملاً شخصی، بعضی از عمده ترین موضوع های طنز یا آماج های انتقادی ادیب از این قرار است:

www.SID.ir

Archive of SID

عدلیه و سران آن (ص ۱۰۵)، وزیران خائن (صص ۱۰۴ - ۴۲۰)، وکلای نادان (ص ۵۷ ، که بخشی از آن هنوز خواندنی است)، محمد علی شاه، به عنوان نمایندهٔ دستگاه استبداد (ص ۳۲۰)، ملایان (ص ۴۵۷ که شعر او نقد اجتماعی ماندگاری است)، مشروطه چی های جدید، فرنگی مآبان و فکل بندها (ص ۴۵۸) ، احزاب سیاسی (ص ۱۶) و ....

آسیب شناسی شعر و طنز ادیب جای بحث بسیاری دارد، اما سخن را به این عبارات کوتاه کنیم که چون طنز های ادیب ، به طور کلی منسوب و متکی به سنت های هجویّه سرایی است و در هجویّه های کلاسیک ادب فارسی معمولا استفاده از الفاظ حرام و مضامین جنسی غلبه داشته است ، در این گونه آثار، او نیز از هزل های رکیک روی گردان نبوده است . هر چند هزل گویی واستفاده از لغات حرام تا حدی به تربیت و نگرش گویندگان و سبب های روی کرد آنان به این امر بستگی دارد، اما این موضوع بسیاری طنزهای او را در معرض انتقاد قرار می دهد . تعداد هجوها یا طنزهایی که وی در آن ها کلامش را به زشت گویی نیالوده باشد، چندان زیاد نیست . اگرهم این آسیب را در بعضی هجویّه های انتقام جویانه نادیده بگیریم، در شعر های انتقادی اجتماعی و سیاسی قابل چشم پوشی نیست .

بااین همه با پیرایشی مختصر و زدودن این گونه هزل ها و زشت گویی ها، بسیاری از آثار او می توانند نمونه های درخشانی از طنز های سیاسی و اجتماعی آن روز باشند.

www.SID.ir

Archive of SID

پانوشت ها:

۱- به نظر می رسد که ادیب در نظم این حکایت از ***خر نامه*** تأثیر پذیرفته باشد . دست کم می تـوان گفت که مشابهتی با آن دارد.

۲- مهدی اخوان ثالث، شاعر بزرگ معاصر، نیز این ابیات را که نقیضهٔ «سگ لوند شوشـتری » اسـت، به عنوان نقیضه ای با مایه های قوی طنز ستوده است . رک : ***حریم سایه های سـبز***، بـه کوشـش مرتضی کاخی ،زمستان ، تهران ، ۱۳۷۳ ، ج ۲ ، صص ۲۷۲ – ۲۷۳ .

۳- رک : ***دیوان*** ، ادیب الممالک فراهانی ، با تصحیح وحیـد دسـتگردی ، کتـاب فروشـی فروغـی ، تهران ، ۱۳۵۵ ، صص ۷۰۵ – ۷۱۱ . در این ترکیب بند، گذشته از زبانی هتاکانه، ابیـاتی سسـت و سخیف از این قبیل به چشم می خورد :

بارک الله ، آفرین ، مرسی تو قرمساق بدتر از خرسی

۴- نخستین ، چنان که خود می گوید، قطعه ای است منسوب به صفی الدین حلی ، با این آغاز :

ولیلة طال سُهادی بها فزارنی ابلیسُ عند الرّقاد

و دومین مقطوعه ای منسوب به سناء الملک (یا زین الدین ابوحفص عمر الوردی) و با این مطلع :

بتُّ و ابلیس اتی بحیلة منتدبه فقال ما قولک فی حشیشة منتخبة

و نیز رک : ***مفلس کیمیا فروش*** ، دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، سخن ، تهران ، ۱۳۷۲ ، ص ۵۵ .

۵- رک : ***دیوان*** ، ص ۲۸۵ .

۶- تاریخ سروده شدن این ترجیع بند ۱۳۳۰ هجری قمری و خطاب به میرزا تقی خان مجـد الملـک برادر امین الدوله است .

۷- استاد دکتر مجدالدین کیوانی ، سیاهه ای از لغاتی را که به نوعی نوجویی ادیب را نشان می دهـد، معرفی کرده است. رک : « نوجویی در شعر ادیب الممالک فراهانی » ، ***مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیـات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم*** ، سال ۱۳۷۳، شماره های ۴ و ۵ ، صص ۱۳ – ۳۱ .

۸- رک : ***دیوان*** ، ص ۱۴۹ .

۹- برای نمونه ، رک : همان ، ص ۲۰۹ .

۱۰-برای نمونه ، رک : همان ، صص ۸۹،۲۸۲ ، ۲۵۹ و ....

۱۱-رک : همان ، صص ۵۷ – ۶۰ .

www.SID.ir

Archive of SID

۱۲-و نیز رک : قصیده ای فکاهی به شکل مکالمهٔ شاعر با خرش (ص ۱۹۹) و مثنوی کوتاهی به شکل تزریق یا مهمل گویی (ص ۶۱۵).

www.SID.ir